

گذران کودکی در قبرستان

گروه جامعه- افراد بسیاری هستند که با وجود نداری و نیازمندی، هر گز دست از کار و تلاش بر نمی دارند و حاضر نیستند به کارهایی چون تکدی گری رو آورند. در این میان کودکانی هم به ناچار همپای خانواده دست به کاری هر چند سطحی می زنند تا کمک کار خانواده باشند یا حتی خود سرپرست خانواده محسوب می شوند. کودکان نیازمندی که در جای جای شهر از طریق گل فروشی، دست فروشی، واکس زدن و ... اجازه نمی دهند دیگران آن ها را به عنوان متکدی بشناسند، حتی برخی از آن ها در گورستان شهر با آب و جارو گاه سعی دارند از راه شستن قبور، پولی برای امرار معاش به دست آورند. در گذری به بهشت محمد رسول ... (ص) با استقبال پسران کوچکی روبه رو شده ایم که در گرما و سرما یا گل، گلاب و آب به سرانعمان می آیند. آن هایی که از این راه تلاش می کنند امور زندگی را که ناخواسته در کودکی بار مسئولیت آن بر شانه های تحیفشان افتاده است بگذرانند. زمانی که بر مزار از دست رفته ای می رویم حضور بچه هایی را نزدیک خود احساس می کنیم، کودکان کاری که لحظه شماری می کنند تا مردم به زیارت اهل قبور بیایند و آن ها هم بتوانند با فروش گل، گلاب یا شمع، اندک پولی به دست آورند.

آن ها از کودکی و بازی های کودکانه خود دست کشیده اند و با آب پاشی و زدودن خاک از قبرها سعی در کمکی به در آمد خانواده دارند.

بسیاری از افراد معتقد هستند که کودکان را نباید بر مزار برد، چون ممکن است در روحیه آن ها اثراتی نامطلوبی بگذارد و ذهن آن ها در گیر اتفاقی های تلخ شود. اما برخی کودکان، در آمد و روزی شان در گور و رفت و آمد در قبرستان است و چنین به نظر می رسد که هیچ کس هم نگران روحیه آن هانیست.

بار مسئولیت زندگی

«رحمان» پسر بچه سیاه چرده ای که در بهشت محمد رسول ... (ص) مشغول جارو کردن اطراف چند قبر است وقتی متوجه می شود خبر نگار و

رها شده را ببینی، انتشار این زباله هایکی از معضلاتی

است که هر رهگذری را می آزارد، اما از این که بگذریم چهره ناشایست شهر موضوعی است که نمی توان از آن گذشت آن هم در کلان شهری به نام زاهدان. بی توجهی به جمع آوری به موقع و منظم زباله های رها شده یکی از معضل های قدیمی زاهدان است، بسیاری از افراد معتقد هستند که کودکان را نباید بر مزار برد، چون ممکن است در روحیه آن ها اثراتی نامطلوبی بگذارد و ذهن آن ها در گیر اتفاقی های تلخ شود. اما برخی کودکان، در آمد و روزی شان در گور و رفت و آمد در قبرستان است و چنین به نظر می رسد که هیچ کس هم نگران روحیه آن هانیست.

رها شده را ببینی، انتشار این زباله هایکی از معضلاتی

است که هر رهگذری را می آزارد، اما از این که بگذریم

چهره ناشایست شهر موضوعی است که نمی توان

از آن گذشت آن هم در کلان شهری به نام زاهدان.

بی توجهی به جمع آوری به موقع و منظم زباله های

رها شده یکی از معضل های قدیمی زاهدان است،

بسیاری از افراد معتقد هستند که کودکان را نباید بر مزار برد، چون ممکن

است در روحیه آن ها اثراتی نامطلوبی بگذارد و ذهن آن ها در گیر اتفاقی

های تلخ شود. اما برخی کودکان، در آمد و روزی شان در گور و رفت و آمد در

قبرستان است و چنین به نظر می رسد که هیچ کس هم نگران روحیه آن

هانیست.

رها شده را ببینی، انتشار این زباله هایکی از معضلاتی

است که هر رهگذری را می آزارد، اما از این که بگذریم

چهره ناشایست شهر موضوعی است که نمی توان

از آن گذشت آن هم در کلان شهری به نام زاهدان.

بی توجهی به جمع آوری به موقع و منظم زباله های

رها شده یکی از معضل های قدیمی زاهدان است،

بسیاری از افراد معتقد هستند که کودکان را نباید بر مزار برد، چون ممکن

است در روحیه آن ها اثراتی نامطلوبی بگذارد و ذهن آن ها در گیر اتفاقی

های تلخ شود. اما برخی کودکان، در آمد و روزی شان در گور و رفت و آمد در

قبرستان است و چنین به نظر می رسد که هیچ کس هم نگران روحیه آن

هانیست.



«رحمان» پسر بچه سیاه چرده ای که در بهشت محمد رسول ... (ص) مشغول جارو کردن اطراف چند قبر است وقتی متوجه می شود خبر نگار و

سوزه عکاس شده است سرش را پایین می اندازد و می گوید: پدرم که فوت

کرد مسئولیت زندگی به دوش من و دیگر برادرهایم افتاد. شش سالم بود

که مجبور شدم برای مخارج زندگی خواهر و مادرم پایه پای بقیه کار کنم و

چون هیچ کاری یاد نداشتم به گورستان آمدم و در این جا به شست و شوی

قبر های مردگان پرداختم. جارو به دست در حالی که به کارش ادامه می

دهد، برای این که نارضایتی از این وضعیت در چهره اش نمایان نشود با

خنده تلخی ادامه می دهد: قبرها را می شویم که زندگی کنم. اگر چه

درآمدی دارم، اما چون کار دیگری بلد نیستم به همین کار ادامه می دهم. تا

بتوانم در آمدی داشته باشم. از انجام این کار رضایتی ندارم، چون ناخواسته

منتظرم کسی را برای تدفین بیاورند و در این میان معمولاً خانواده متوفی

برای رسیدگی به اطراف خاک در گذشته شان پول خوبی می دهد. وی

کنار قبری که مشغول شست و شوست می نشیند و می افزاید: برای شستن

هر قبری پنج هزار تومان پول می گیرم، خدا را شکر در آمد خوبی است، اما

کار به نوعی نیست که از آن راضی باشم. خانه ام از بهشت محمدرسول ... (ص)

فاصله دارد در به همین دلیل مجبور هستم صبح زود بیایم و تا نزدیک

های شب این جا بمانم. همین سختی رفت و آمد سبب شده است بیشتر

زمانم را در قبرستان باشم و در کنار مردگان سپری کنم.

بی سواد هستم

رحمان با اشاره به این که سواد خواندن و نوشتن ندارد خاطر نشان می کند: هنگامی که شش ساله بودم مجبور شدم کار کنم و از آن زمان دیگر به فکر رفتن به مدرسه نبودم. به علاوه شرایط این کار به نوعی است که باید میان کار و درس خواندن یکی را انتخاب کنم. اگر بخواهم کار کنم و مدرسه هم بروم روزانه ۱۲ هزار تومان از در آمدم را باید صرف هزینه های رفت و آمد کنم که با شرایط مالی خانواده ام امکان آن کار وجود ندارد. از او می پرسم از قبرستان نمی ترسی؟ به دوردست نگاه می کند و می گوید: روزهای اولی که کار در این جا را انتخاب کردم می ترسیدم. داستان هایی هم که

رها شده را ببینی، انتشار این زباله هایکی از معضلاتی

است که هر رهگذری را می آزارد، اما از این که بگذریم

چهره ناشایست شهر موضوعی است که نمی توان

از آن گذشت آن هم در کلان شهری به نام زاهدان.

بی توجهی به جمع آوری به موقع و منظم زباله های

رها شده یکی از معضل های قدیمی زاهدان است،

بسیاری از افراد معتقد هستند که کودکان را نباید بر مزار برد، چون ممکن

است در روحیه آن ها اثراتی نامطلوبی بگذارد و ذهن آن ها در گیر اتفاقی

های تلخ شود. اما برخی کودکان، در آمد و روزی شان در گور و رفت و آمد در

قبرستان است و چنین به نظر می رسد که هیچ کس هم نگران روحیه آن

هانیست.

رها شده را ببینی، انتشار این زباله هایکی از معضلاتی

است که هر رهگذری را می آزارد، اما از این که بگذریم

چهره ناشایست شهر موضوعی است که نمی توان

از آن گذشت آن هم در کلان شهری به نام زاهدان.

بی توجهی به جمع آوری به موقع و منظم زباله های

رها شده یکی از معضل های قدیمی زاهدان است،

بسیاری از افراد معتقد هستند که کودکان را نباید بر مزار برد، چون ممکن

است در روحیه آن ها اثراتی نامطلوبی بگذارد و ذهن آن ها در گیر اتفاقی

های تلخ شود. اما برخی کودکان، در آمد و روزی شان در گور و رفت و آمد در

قبرستان است و چنین به نظر می رسد که هیچ کس هم نگران روحیه آن

هانیست.



«رحمان» پسر بچه سیاه چرده ای که در بهشت محمد رسول ... (ص) مشغول جارو کردن اطراف چند قبر است وقتی متوجه می شود خبر نگار و

سوزه عکاس شده است سرش را پایین می اندازد و می گوید: پدرم که فوت

کرد مسئولیت زندگی به دوش من و دیگر برادرهایم افتاد. شش سالم بود

که مجبور شدم برای مخارج زندگی خواهر و مادرم پایه پای بقیه کار کنم و

چون هیچ کاری یاد نداشتم به گورستان آمدم و در این جا به شست و شوی

قبر های مردگان پرداختم. جارو به دست در حالی که به کارش ادامه می

دهد، برای این که نارضایتی از این وضعیت در چهره اش نمایان نشود با

خنده تلخی ادامه می دهد: قبرها را می شویم که زندگی کنم. اگر چه

درآمدی دارم، اما چون کار دیگری بلد نیستم به همین کار ادامه می دهم. تا

بتوانم در آمدی داشته باشم. از انجام این کار رضایتی ندارم، چون ناخواسته

منتظرم کسی را برای تدفین بیاورند و در این میان معمولاً خانواده متوفی

برای رسیدگی به اطراف خاک در گذشته شان پول خوبی می دهد. وی

کنار قبری که مشغول شست و شوست می نشیند و می افزاید: برای شستن

هر قبری پنج هزار تومان پول می گیرم، خدا را شکر در آمد خوبی است، اما

کار به نوعی نیست که از آن راضی باشم. خانه ام از بهشت محمدرسول ... (ص)

فاصله دارد در به همین دلیل مجبور هستم صبح زود بیایم و تا نزدیک

های شب این جا بمانم. همین سختی رفت و آمد سبب شده است بیشتر

زمانم را در قبرستان باشم و در کنار مردگان سپری کنم.

فروشان در قسمت مرکزی زاهدان، اختلال در تردد مردم را به همراه داشت به همین دلیل سبب گلايه شهروندان شده بود و سامان دهی آن ها برای کاهش مشکلات عبور و مرور شهروندان و زیباسازی فضای سبز در دستور کار قرار گرفت. وی خاطرنشان کرد: پیش از این دست فروشان ماهانه حداقل ۷۰۰ هزار تومان به مغازه دارانی که در محدوده آنان بساط کرده بودند پرداخت می کردند که با سامان دهی آن ها در این بازارچه ماهانه ۳۰۰ هزار تومان از هر غرفه دار دریافت می شود. وی با بیان این که همه غرفه های این بازارچه در اختیار دست فروشان است ادامه داد: سامان دهی دست فروشان تردد در هسته مرکزی شهر را تسهیل می کند.



فروشان در قسمت مرکزی زاهدان، اختلال در تردد مردم را به همراه داشت به همین دلیل سبب گلايه شهروندان شده بود و سامان دهی آن ها برای کاهش مشکلات عبور و مرور شهروندان و زیباسازی فضای سبز در دستور کار قرار گرفت. وی خاطرنشان کرد: پیش از این دست فروشان ماهانه حداقل ۷۰۰ هزار تومان به مغازه دارانی که در محدوده آنان بساط کرده بودند پرداخت می کردند که با سامان دهی آن ها در این بازارچه ماهانه ۳۰۰ هزار تومان از هر غرفه دار دریافت می شود. وی با بیان این که همه غرفه های این بازارچه در اختیار دست فروشان است ادامه داد: سامان دهی دست فروشان تردد در هسته مرکزی شهر را تسهیل می کند.

اگر می خواهید برنج زعفرانی شود: برای آماده کردن پلوی زعفرانی مقداری پودر زعفران را در مقداری آب جوش داخل یک استکان کوچک حل کنید و استکان را موقع دم کردن روی برنج قرار دهید و در قابلمه را بگذارید تا زعفران هم همراه برنج دم بکشد و رنگ آن پررنگ تر شود.

اگر برنج بیشتر جوشید: اگر برنج کمی بیشتر جوشید موقع آبکش کردن، روی آن آب سرد بریزید و سپس آن را آبکشی کنید، برنج کمی خودش را جمع می کند. اگر برنج کمی بیشتر جوشید هنگام دم گذاشتن آن روی برنج دم را روغن ندهید. دلیلی که موجب تفاوت در نتیجه کار می شود میزان جوشاندن برنج و میزان آبی است که به صورت آب و روغن یا تنهایی به برنج اضافه می شود. این آب به هنگام دم افتادن برنج، تبخیر می شود و به دلیل خارج نشدن از فضای بسته قابلمه جذب برنج می شود و هر چه مقدارش بیشتر باشد برنج را نرم و نرم تر یا له می کند.

مصرف گیاهان دارویی با طبیعت شرده درمان نزله و زکام گرم، زیا نار و سرد (مانند سوزش و خارش و گزش در بینی و حلق) همراهی با نشانه های گرمی یا سردی در سر و صورت و چشم تغییرات صدا (خشونت صدا، گرفتگی صدا، تودماغی شدن صدا...) علائم سیستمیک (مانند تب) علائم ویژه دیگر در زبان، نبض و ادرار

مقدار آب بیشتری روی برنج آبکش شده بریزید. اگر دیگر کار از کار گذشته بود و کاری برای جبران شوری برنج نمی توانستید انجام دهید خورش را کم نمک بریزید.

اگر برنج ته گرفت: به سرعت چند تنه نان روی برنج بگذارید. نان بوی سوختگی را به خودش می گیرد. با پیاز هم می شود بوی سوختگی برنج را گرفت. چند حلقه پیاز را داخل برنج فرو کنید.

اگر برنج بی نمک یا کم نمک شد: روی غذا با نمکدان نمک بپاشید. مقداری نمک را در آب جوش حل کنید و روی برنج بریزید. خورش را خوش نمک تر بریزید.

اگر می خواهید برنج خوب قد بکشد: موقعی که برنج در اوج جوشیدن است، یک استکان آب سرد داخل برنج بریزید. قابلمه را بزرگ انتخاب کنید تا جای کافی برای قد کشیدن داشته باشد. هنگام جوشاندن برنج، دو قاشق روغن مایع داخل آب قابلمه بریزید تا هم خوب قد بکشد هم به اصطلاح

مقدار آب بیشتری روی برنج آبکش شده بریزید. اگر دیگر کار از کار گذشته بود و کاری برای جبران شوری برنج نمی توانستید انجام دهید خورش را کم نمک بریزید.

اگر برنج ته گرفت: به سرعت چند تنه نان روی برنج بگذارید. نان بوی سوختگی را به خودش می گیرد. با پیاز هم می شود بوی سوختگی برنج را گرفت. چند حلقه پیاز را داخل برنج فرو کنید.

اگر برنج بی نمک یا کم نمک شد: روی غذا با نمکدان نمک بپاشید. مقداری نمک را در آب جوش حل کنید و روی برنج بریزید. خورش را خوش نمک تر بریزید.

اگر می خواهید برنج خوب قد بکشد: موقعی که برنج در اوج جوشیدن است، یک استکان آب سرد داخل برنج بریزید. قابلمه را بزرگ انتخاب کنید تا جای کافی برای قد کشیدن داشته باشد. هنگام جوشاندن برنج، دو قاشق روغن مایع داخل آب قابلمه بریزید تا هم خوب قد بکشد هم به اصطلاح

مقدار آب بیشتری روی برنج آبکش شده بریزید. اگر دیگر کار از کار گذشته بود و کاری برای جبران شوری برنج نمی توانستید انجام دهید خورش را کم نمک بریزید.

اگر برنج ته گرفت: به سرعت چند تنه نان روی برنج بگذارید. نان بوی سوختگی را به خودش می گیرد. با پیاز هم می شود بوی سوختگی برنج را گرفت. چند حلقه پیاز را داخل برنج فرو کنید.

اگر برنج بی نمک یا کم نمک شد: روی غذا با نمکدان نمک بپاشید. مقداری نمک را در آب جوش حل کنید و روی برنج بریزید. خورش را خوش نمک تر بریزید.

اگر می خواهید برنج خوب قد بکشد: موقعی که برنج در اوج جوشیدن است، یک استکان آب سرد داخل برنج بریزید. قابلمه را بزرگ انتخاب کنید تا جای کافی برای قد کشیدن داشته باشد. هنگام جوشاندن برنج، دو قاشق روغن مایع داخل آب قابلمه بریزید تا هم خوب قد بکشد هم به اصطلاح

۳. تاثیر حسی ترشحات بر مخاط حلق یا بینی (مانند سوزش و خارش و گزش در بینی و حلق) همراهی با نشانه های گرمی یا سردی در سر و صورت و چشم

۵. تغییرات صدا (خشونت صدا، گرفتگی صدا، تودماغی شدن صدا...) علائم سیستمیک (مانند تب) علائم ویژه دیگر در زبان، نبض و ادرار

۷. علائم سوزش و خارش و گزش در بینی و حلق) همراهی با نشانه های گرمی یا سردی در سر و صورت و چشم

۵. تغییرات صدا (خشونت صدا، گرفتگی صدا، تودماغی شدن صدا...) علائم سیستمیک (مانند تب) علائم ویژه دیگر در زبان، نبض و ادرار

۷. علائم سوزش و خارش و گزش در بینی و حلق) همراهی با نشانه های گرمی یا سردی در سر و صورت و چشم

۵. تغییرات صدا (خشونت صدا، گرفتگی صدا، تودماغی شدن صدا...) علائم سیستمیک (مانند تب) علائم ویژه دیگر در زبان، نبض و ادرار

۷. علائم سوزش و خارش و گزش در بینی و حلق) همراهی با نشانه های گرمی یا سردی در سر و صورت و چشم

۵. تغییرات صدا (خشونت صدا، گرفتگی صدا، تودماغی شدن صدا...) علائم سیستمیک (مانند تب) علائم ویژه دیگر در زبان، نبض و ادرار

۷. علائم سوزش و خارش و گزش در بینی و حلق) همراهی با نشانه های گرمی یا سردی در سر و صورت و چشم

۵. تغییرات صدا (خشونت صدا، گرفتگی صدا، تودماغی شدن صدا...) علائم سیستمیک (مانند تب) علائم ویژه دیگر در زبان، نبض و ادرار

۷. علائم سوزش و خارش و گزش در بینی و حلق) همراهی با نشانه های گرمی یا سردی در سر و صورت و چشم

۵. تغییرات صدا (خشونت صدا، گرفتگی صدا، تودماغی شدن صدا...) علائم سیستمیک (مانند تب) علائم ویژه دیگر در زبان، نبض و ادرار

۷. علائم سوزش و خارش و گزش در بینی و حلق) همراهی با نشانه های گرمی یا سردی در سر و صورت و چشم
















۵. تغییرات صدا (خشونت صدا، گرفتگی صدا، تودماغی شدن صدا...) علائم سیستمیک (مانند تب) علائم ویژه دیگر در زبان، نبض و ادرار

۷. علائم سوزش و خارش و گزش در بینی و حلق) همراهی با نشانه های گرمی یا سردی در سر و صورت و چشم

۵. تغییرات صدا (خشونت صدا، گرفتگی صدا، تودماغی شدن صدا...) علائم سیستمیک (مانند تب) علائم ویژه دیگر در زبان، نبض و ادرار

۷. علائم سوزش و خارش و گزش در بینی و حلق) همراهی با نشانه های گرمی یا سردی در سر و صورت و چشم

روزنامه سیستان و بلوچستان رتبه هشتم نشریات استانی سرپرستی زاهدان	صاحب امتیاز	موسسه فرهنگی هنری خراسان
تلفن: ۰۵۴ ۳۳۲۱۷۸۶۶	مدیر مسئول	محمد سعید احدیان
تلفن: ۰۵۴ ۳۳۲۱۷۸۶۹	سرمدیر:	علی ولی زاده
تلفن: ۰۵۴ ۳۳۲۱۷۸۶۴	دفتر مرکزی:	مشهد، بلوار سازمان آب
تلفن: ۰۵۴ ۳۳۲۱۷۸۶۲-۳	صدورق پستی:	۵۱۱-۹۱۷۳۵
تلفن: ۰۵۴ ۳۳۲۱۷۸۶۵	تلفن:	۰۵۱-۳۷۶۴۳۰۰
شهر چاپ خراسان	نامبر نشریات ها:	۰۵۱ ۳۷۶۴۳۳۴
	بانتاک:	۳۰۰۰۹۹۹

امروز	اوقات شرعی به افاق زاهدان	فردا	امروز	زاهدان	فردا
۰۴:۳۷	اذان صبح ۰۴:۳۷			
۰۵:۵۹	طلوع آفتاب ۰۵:۵۹			
۱۱:۱۳	اذان ظهر ۱۱:۱۳			
۱۶:۲۸	غروب آفتاب ۱۶:۲۷			
۱۶:۴۶	اذان مغرب ۱۶:۴۶			

مشاور پزشکی

آی وی اف چیست؟

گروه جامعه- می خواهیم عمل آی وی اف انجام دهیم. درباره مراحل و مدت زمان انجام آن راهنمایی کنید.

دکتر شیرین نیروموش، متخصص زنان و زایمان: آی وی اف، نوعی روش درمان ناباروری در زوجینی است که با روش تلقیح آزمایشگاهی قصد دارند بچه دار شوند. در این روش تخمک های رسیده از خانم گرفته شده و در آزمایشگاه در ظرفی مخصوص با اسپرم مرد ترکیب می شود. تخمکی که از این ترکیب حاصل می شود را به مدت سه تا پنج روز، بیرون از رحم نگه می دارند و پس از آن به داخل رحم خانم می فرستند. البته لازم است که قبل از آی وی اف و نزدیک به شروع دوره ماهانه، خانم ها از داروهای خاصی برای تحریک تخمدانشان استفاده کنند تا به جای یک تخمک در آن ماه، چندتخمک آزاد کنند. خارج کردن تخمک رسیده با یک سوزن باریک و تحت بیپوشی انجام می شود. معمولاً دو تا چهار جنین تشکیل شده را از طریق سرویکس به داخل رحم می فرستیم و در صورتی که درمان موفقیت آمیز باشد لانه گذاری در دیواره رحم انجام می شودو جنین شروع به رشد می کند.

مشاور حقوقی

اعصار

رسیدگی به تقاضای اعصار در پرونده های طلاق چگونه است؟

حوریه معلم باندانی، کارشناس ارشد حقوق خصوصی: مسعر به کسی گفته می شود که به واسطه نداشتن دارایی یا دسترسی نداشتن به مال خود، توانایی پرداخت هزینه دادرسی یا دیون خود را ندارد. یکی از مسایلی که در مهریه مورد توجه زوج قرار می گیرد، تقاضای اعصار است. اعصار را می توان به دو دسته اعصار مطلق و اعصار به تقسیت تقسیم کرد. در اعصار مطلق، زوج ضمن این که تصمیم به طلاق همسرش دارد، ادعا می کند اصلا مالی ندارد و نمی تواند مهریه و دیگر حقوق مالی همسرش را بدهد. این در حالی است که در اعصار به تقسیت، این گونه نیست و زوج ادعا می کند که توانایی پرداخت یک جای حقوق مالی زوجه، قبل از اجرای صیغه طلاق را ندارد.

موارد اعصار مطلق، نادر است و به طور معمول دادگاه آن را احراز نمی کند، زیرا اگر چه در دیگر دیون مثل دیه، قانون گذار محلی مثل بیت المال را مشخص کرده است تا در صورت اعصار، دیه از آن محل برای پرداخت به اولیای دم تامین شود، اما در قسمت دیگر دیون مثل مهریه و دیگر حقوق، از ناحیه قانون گذار، محل دیگری پیش بینی نشده است و مشخص نیست که اگر اعصار مطلق از ناحیه دادگاه پذیرفته و طلاق انجام شود، دسترسی به زوج میسر باشد یا زوجه بتواند بعدها مالی از زوج به دست آورد و حقوق از دست رفته خود را احیا کند یا خیر.

به ویژه آن که پس از قبول اعصار و صدور رای، هیچ تضمینی برای پرداخت آن در قوانین موضوعه پیش بینی نشده و از طرفی، مورد آن نیز نادر است. زیرا چنانچه تقاضای طلاق ناشی از سوء اخلاق و رفتار یا تخلف از وظایف همسری توسط زوجه باشد و اثر همین تقصیرها توام یا جداگانه، زوجه به تقدیم دادخواست طلاق میبادرت کرده باشد، غیر از مهریه، دیگر حقوق مالی مثل اجرت المثل به او تعلق نمی گیرد که نیاز به تقدیم دادخواست اعصار باشد.

اما اگر زن در زندگی مشترک به وظیفه خود در مقابل شوهر، آشنا و نسبت به آن وظیفه شناس باشد و سوء رفتار و اخلاق نداشته باشد، دیگر چه دلیلی وجود دارد که مرد بخواهد با طلاق، کانون گرم خانواده را برهم بزند.
خاصه آن که از پرداخت دین خود به زن اظهار عجز و ناتوانی کند که در این صورت، طلاق به مصلحت او نیست و بر فرض که مبادرت به تقدیم دادخواست طلاق کرد و نسبت به حقوق مالی زوجه تقاضای اعصار داشت، این اعصار پذیرفتنی نیست مگر آن که دلیلی موجهی به دادگاه ارایه کند که در عین این که همسرش وظیفه خود را انجام می دهد اما به لحاظ وضعیت شخصی قادر به ادامه زندگی مشترک با زوجه نیست. به عنوان مثال، ادعا کند که به لحاظ از کار افتادن کلیه یا دیالیز کردن دو بار در طول هفته، امکان هرگونه فعالیت مثبت در زندگی از او سلب شده است و قادر به ادامه زندگی نیست و از طرفی به لحاظ وضعیت جسمی، وضعیت مالی خوبی هم ندارد. به نظر می رسد در این صورت، چنان چه صحت ادعا و اظهار های او احراز شد، مانعی برای رسیدگی و صدور رای وجود ندارد.

اگرچه دعوی اعصار آن هر دو نوع عام از اعصار مطلق یا اعصار به تقسیت، از جمله دعاوی غیرمالی بوده و قابل پذیرش و رسیدگی است، اما بحث در پذیرش اعصار مطلق است که در صورت وجود مواردی مانند مثال ادعا شده می توان با پذیرش اعصار مطلق، همزمان حکم طلاق را نیز صادر کرد که در این صورت اجرای صیغه طلاق بدون پرداخت حقوق مالی است. اما با این توضیح صدور حکم اعصار عام از مطلق یا به تقسیت، مانع از آن نیست که چنانچه بعدا مالی از زوج به دست آید، زوجه با توقیف آن درباره استیفای حقوق خود اقدام کند.

سنگ مبور

دخالت دیگران در زندگی خصوصی